

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۳۰

فصل نامه علمی - پژوهشی عصر آدینه

سال یازدهم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۷

بررسی عناصر سه گانه فکری، شکلی و ساختاری دعای ندبه

سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۱

حمید عباسزاده^۲

احمد محمدیان^۳

چکیده

زیبایی شناسی ادعیه انتظار - از جمله دعای ندبه - موضوعی است که کمتر به آن توجه شده است؛ ضرورت و اهمیت مطالعات گونه شناختی ادبی در متون ادب اسلامی از آن جاست که این رهیافت، خواننده را در دریافت متن، چپستی متن و تأویل لایه های آن یاری می رساند. در پژوهش حاضر به سبک مسئله محور، با روش کتابخانه ای و به صورت توصیفی - تحلیلی، بعد از اشاره به کلیات، بیان شده است که: متون ادبی دارای عناصر مختلفی می باشد که در این جا سه عنصر اساسی فکری، شکلی و ساختاری بررسی می گردد. مهدویت، اندیشه اصلی در عنصر فکری دعای ندبه می باشد که در کنار آن به اندیشه های فرعی مانند بعثت انبیاء، ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام و... مطرح می شود؛ در عنصر شکلی مباحث محاوره، عاطفه، تصویر و موسیقی مورد بحث واقع شده است که در عنصر محاوره دو خطاب مشخص و مبهم، و در عنصر عاطفه پنج مرحله تحریک عاطفه، آمادگی، هویت، هیجان و ارزیابی، و در عنصر تصویر، تصویر فرد منتظر و امام و جامعه و در عنصر موسیقی سه نوع

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (نویسنده مسئول) (hoseini.zeydi@razavi.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (hamidAbbaszadeh@hotmail.com).

۳. کارشناس ارشد دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (mohamadian313@gmail.com).

موسیقی بیان می‌گردد؛ در عنصر ساختاری هم دو محور عمودی و افقی مورد بحث قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

دعای ندبه، عنصر فکری، عنصر شکلی، عنصر ساختاری.

مقدمه

بدون شک، دعا‌های رسیده از معصومان گنجینه بی‌پایان معارف و سرچشمه جوشان حکمت‌های ناب برای همه حق‌جویان و تشنگان معرفت و سعادت است. ادعیه و زیارات مهدوی در همان حال که مناجات با خدا و عرض ارادت و اخلاص به محضر ولیّ زمان و حجت دوران است، سندی محکم برای شناخت بیشتر و عمیق‌تر از شخصیت امام عصر و مسائل مربوط به آن بزرگوار - نظیر غیبت، انتظار و ظهور - است؛ از آثار و کارکردهای اجتماعی ادعیه انتظار، کنترل اجتماعی و دوری جستن از انحرافات و ناهنجاری‌هاست و منتظر واقعی، هرگز خود را به گناه و بدی‌ها و زشتی‌ها آلوده نمی‌کند. دعای ندبه از جمله دعا‌های مهم مخصوص در عصر غیبت است که مشتمل بر سیر تاریخ انبیای اولوالعزم الهی و تاریخ صدر اسلام و حوادث آن، برخی از عقاید شیعه و تأسف بر غیبت حضرت بقیه الله ﷺ می‌باشد. دعای ندبه از نظر محتوا کاملاً مستدل، عالی، فصیح، گیرا، عاطفی و حماسی است و در صورت آگاهی کامل خواننده می‌تواند الهام‌بخش برای اصلاح وضع اجتماعی و مبارزه با ظلم و فساد گردد و جهشی باشد به سوی اهداف بزرگ انسانی. در این جستار برآنیم تا سه عنصر اساسی فکری، شکلی و ساختاری دعای ندبه بررسی نماییم.

توضیح عناصر سه‌گانه در متون ادبی

هرمتنی در ادبیات دارای سه عنصر اساسی می‌باشد:

عنصر فکری

یکی از عناصر یا مهم‌ترین رکن هرمتنی عنصر فکری می‌باشد که بدون آن متن بی‌فایده و پوچ است. فکر اصلی، موضوعی ست که کل متن ادبی دایرمدار آن اندیشه است. به طور مثال در سوره کافرون موضوع اصلی عبادت کافرو مومن است و بحث

عدم اکراه در دین و... هم در آن مطرح می شود؛ بنابراین نگارنده هر متنی باید یک موضوع را به عنوان محور اصلی برای خود انتخاب کند و کل متن را در خدمت این هدف قرار دهد. (بستانی، ۱۴۱۴ق: ۳۵)

اگر اندیشه را از متون ادبی حذف کنیم عناصر ادبی دیگر مانند صنعت گری، خیال پردازی و زبان آوری هر چقدر هم در اوج باشند سبب ماندگاری و فراگیری عمومی اشعار نخواهند شد. در واقع اندیشه و درون مایه «مفهومی زیربنایی و انتزاعی است که از موضوع اثر ادبی به وجود می آید و اجزاء متعدد و بخش ها و موقعیت های آن را به یکدیگر پیوند می دهد.»^۱ (انوشه، ۱۳۸۰ش: ۵۷۸)

عنصر شکلی در ادعیه انتظار

هر متنی از حیث شکل دارای حالتی خاص می باشد؛ شکل ادبی همانند ساختمان است و به طور مثال بنای مسکونی از مسجد یا مجتمع تجاری متفاوت است زیرا هر کدام از این ساختمان ها برای هدفی خاص تعبیه شده اند. در بحث متون و نصوص هم این مطلب صادق است، شکل سوره قرآن، خطبه، قصه، خاطره، قصیده، شعرو نمایشنامه با هم تفاوت دارد، هم چنان که شکل خارجی ساختمان تجاری و عبادی و مسکونی با هم تفاوت دارد از درون هم با هم متفاوت می باشند، این مبحث در بحث نصوص هم صادق است. (بستانی، ۱۴۱۴ق: ۲۸۳)

دعا از حیث مظهر خارجی و بیرونی براساس محاوره فردی بنا شده است و آن محاوره توجه کلامی به خداوند است و گاهی هم این دعا در سکوت و بدون صوت است؛ هم چنین دعا از نظر نما و جلوه درونی برپایه عنصر عاطفه استوار می گردد که فرد دعاکننده به مدد آن به اوج احساس فردی می رسد؛ عنصر دیگر دعا محاوره است که گاه فردی و گاهی هم جمعی خوانده می شود و چون شکل دعا برای قرائت آماده شده، در آن بحث عناصر موسیقی مهم است و باید تصاویری واضح و مشخص هم داشته باشد. (همو: ۲۸۸-۲۸۹)

پس در بحث بررسی شکلی دعا باید به بحث محاوره، کلیت تصاویر، موسیقی و

۱. در باب هدف واقعی و کارکرد هنر نظریه های گوناگونی وجود دارد که سه نظریه: لذت پرستانه، درک معرفت و حقیقت و بهبود اخلاق عمده نظریه های این باب هستند. (رک: هاسپرز، ۱۳۹۳ش: ۵۷-۶۷)

عاطفه اشاره گردد.

عنصر ساختاری

آثار ادبی فاخر، از دو جهت کلی بر مخاطب تأثیر می‌گذارد؛ یکی از جهت وجود آرایه‌ها و هنرمندی‌ها در تک‌تک اجزای خویش و دیگری از جهت هماهنگی و ارتباطی که میان این اجزا وجود دارد. ساختار هندسی از مهم‌ترین عناصر یک اثر است که ارتباط بخش‌های مختلف آن را سامان می‌دهد. «عنصر بنایی (ساختاری)، همان هندسه و ساختار متن ادبی است که طی آن عنصر فکر با دیگر عناصر لفظی و موسیقایی و تصویری ارتباط و انسجام دارند. نص ادبی از بندهایی تشکیل شده که هر بند با ما بعد در همه این عناصر ارتباط و پیوستگی دارد. خلاصه این که نتیجه می‌شود متن ادبی یک واحد منسجم و منظم با ساختاری خاص به خود است.» (همو: ۳۱۳) و لذا ساختار هندسی بخش‌های مختلف اثر را سامان می‌دهد.^۱

عنصر ساختاری به دو بخش عموی و افقی تقسیم می‌شود:

الف) محور عمودی در اثر طرح کلی است که از ابتدا تا انتها ادامه دارد و باعث شکل‌گیری ساختمان اثر می‌گردد، یعنی نویسنده هم در محتوا و هم در صورت، یک سیر منطقی را دنبال می‌کند و پاره‌های اثرش به گونه‌ای با هم ارتباط دارند که اگر بخشی از آنها را برداریم، شعر ناقص می‌ماند. این جنبه از شعر را محور عمودی نامیده‌اند؛ محور عمودی در اثر مانند همان نخ تسبیح است که تمام اجزاء بر مدار آن هستند.

ب) محور افقی تصاویر و خلاقیت‌های شعری و موضوعی که در یک اثر مطرح می‌شود و بی‌ارتباط با موضوع و نمای کلی اثر نیست؛ محورهای افقی خیال باید در عین ارتباط و هماهنگی با یکدیگر، با فکر اصلی و طرح کلی اثر نیز مربوط و هماهنگ باشد. (ضابطی، ۱۳۷۸ ش: ۳۶؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵ ش: ۱۷۵) به عبارت دیگر هر متن دارای چند موضوع متفاوت است که هریک از این موضوعات به تنهایی شروع و پایانی دارد که این

۱. در واقع یکی از ابعاد شگفت‌انگیز قرآن کریم هم تناسب آیات آن با یکدیگر است؛ هر خواننده متفکری با قرائت و دقت در آیات یک سوره - چه کوچک و چه بزرگ - به نظم و ارتباط شگفت‌انگیز آن پی می‌برد گویی آیات هر سوره هم چون جواهرات گران‌بهایی دست در گردن یکدیگر انداخته و گردنبند زیبایی را به وجود آورده‌اند. گردنبندی که نه تنها هر دانه آن از طلای ناب بوده و ظرافت و زیبایی منحصر به فرد خود را دارد بلکه در مجموع نیز ترکیبی به وجود آورده که اگر جن و انس جمع شوند نمی‌توانند همانند آن بسازند. (رک: خامه‌گر، ۱۳۸۱ ش: ۹)

موضوع مستقل از سایر موضوعات و به نوعی مفهوم کلی متن را تکمیل می کند.

بررسی عناصر سه گانه دعای ندبه

حال به بررسی عناصر سه گانه ای که توضیح آن گذشت، می پردازیم:

عنصر فکری در دعای ندبه

در دعای ندبه همانند سایر متون اندیشه هایی مطرح می شود، این دعا با موضوع انتظار است و موارد مختلفی از فکری را در بردارد که در ذیل به اندیشه اصلی دعا و فکری که در کنار آن مطرح می گردد، می پردازیم:

مهدویت، اندیشه اصلی دعای ندبه

تمام موضوعات دعای ندبه ناظر به حضرت حجت است و از چند نظر به حضرت حجت علیه السلام توجه می شود، از یک حیث به خصوصیات فردی حضرت توجه می شود که او فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، از نسل حضرت زهرا علیها السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام است و از دیگر نگاه وقتی به سیرتاریخ بشریت و رسولان خدا پرداخته می شود که او را ولی الله و بازمانده سلسله انبیاء و اوصیاء الهی معرفی می کند و بنابراین نتیجه حرکت اصلاحی پیامبران توسط حضرت حجت علیه السلام به نتیجه می رسد.

در تصویری که در باب جامعه در این باب ارائه می گردد باز هم محوریت با حضرت حجت علیه السلام است به این صورت که جامعه دور از امام زمان علیه السلام سراسر از ظلم است و جامعه در عصر ظهور او سرشار از عدالت است. هنگام خواندن دعای ندبه و توجه به مضامین آن، نکته ای که خواننده را متأثر می کند فراق امام عصر علیه السلام و دوری از ایشان است. کسی که آسمان و زمین و سایر مخلوقات به واسطه او به حیات خود ادامه می دهند به طور آشکار و بدون حجاب غیبت نتواند روی زمین وسیع خداوند متعال حرکت کند و این کره خاکی برایشان تنگ باشد.

اندیشه فرعی در دعای ندبه

در کنار اندیشه اصلی دعا، اندیشه های دیگری هم مطرح می شود که به سیر بحث کمک می کند:

بعثت انبیاء

دعای ندبه گذری اجمالی به ماجرای بعثت انبیاء دارد که بعد از ذکر حضرت آدم علیه السلام

و جریان بیرون رانده شدن او از بهشت، به بیان هریک از انبیای اولوالعزم به همراه مهم‌ترین حادثه‌ای که در طول رسالت آنها رخ داده، می‌پردازد. اولین خلیفه و حجت خدا در زمین، آدم ابوالبشر: «فَبَعْضُ أَشْكَتُهُ جَنَّتْكَ إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا»

اولین پیامبر اولوالعزم الهی، حضرت نوح علیه السلام: «بَعْضُ حَمَلْتُهُ فِي فُلْكَ وَ نَجَّيْتُهُ وَ مَنْ أَمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ»

حضرت ابراهیم علیه السلام، دومین پیامبر اولوالعزم: «بَعْضُ اتَّخَذْتُهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا وَ سَأَلْتُكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَأَجَبْتُهُ وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا» بنا بر تصریح آیه ۲۴ سوره مبارکه نساء منظور از خلیل الله حضرت ابراهیم علیه السلام است که به مقام خلیل الهی رسید البته دلایل متفاوتی برای این نیل به این مقام ذکر شده است. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ج ۹، ۴۴۱؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۳۵؛ محدث نوری، ۱۴۰۸ق: ج ۴، ۴۷۰)

حضرت موسی علیه السلام، پیامبر بنی اسرائیل: «وَ بَعْضُ كَلَّمْتُهُ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا وَ جَعَلْتُ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِءَا وَ وَزِيرًا» طبق تصریح قرآن^۱ خداوند منان در مواقع مختلف با حضرت موسی علیه السلام سخن گفته است؛ چون موسی به تنهایی نمی‌توانست به همه جوانب امر رسالت رسیدگی کند و از عهده همه امور کاملاً برآید، لذا درخواست وزیر و پشتیبانی نمود که او هم از خاندان خودش یعنی برادرش هارون باشد.

حضرت عیسی بن مریم علیه السلام: «وَ بَعْضُ أَوْلَدْتُهُ مِنْ غَيْرِ أَبٍ وَ آتَيْتُهُ الْبَيِّنَاتِ وَ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ»

پیامبر خاتم: در دعای ندبه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان آقای خلائق، برترین پیامبران، پیشوای همه انبیاء و اولیاء الهی، کسی مشرق و مغرب عالم در زیر قدم‌های اوست و تنها نبی الهی که به معراج رفت و... معرفی می‌شود:

فَكَانَ كَمَا اسْتَجَبْتُهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتُهُ وَ صَفْوَةَ مَنْ اصْطَفَيْتُهُ وَ أَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتُهُ وَ أَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتُهُ قَدَمَتُهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ بَعَثْتُهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ

ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه معصومین علیهم السلام

دین مبین اسلام که هدفی روشن و معین دارد، رهروان خود را به بندگی خالصانه خدا

۱. نساء: ۶۴؛ طه: ۹-۶۴؛ قصص: ۳۰-۳۵.

در سایه معرفت و ولایت امامان دعوت می‌کند، تا مبادا با غفلت از امام زمان علیه السلام، گرفتار گمراهی و گناه گردند و با زندگی در بستر جهالت، به مرگ جاهلانه جان دهند.

شناخت امام عصر علیه السلام

در این دعا ابتدا ویژگی‌های نسبی حضرت را معرفی می‌نماید که فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیه السلام، امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیه السلام می‌باشد سپس به اوصاف شخصیتی ایشان پرداخته می‌شود که او را صراط مستقیم، برهان آشکار، راه بین و روشن و... معرفی می‌کند:

أَيُّ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنِ عَلِيٍّ الْمُتَّصِي وَابْنِ خَدِيجَةَ الْغُرَاءِ وَابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى ...
يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ ...

معرفی دوران غیبت و عصر ظهور

یکی از نکاتی که در دعای ندبه به آن اشاره می‌شود شرایط و ویژگی‌های عصر غیبت حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام می‌باشد که باید مورد توجه منتظران باشد، در این دوران گسترش ظلم و ستم در روی زمین، گسترش فساد در جامعه اسلامی و جهان، مواجهه انسان با انواع شبهات در وجود امام زمان علیه السلام، کم رنگ شدن دین در جامعه و... از نقاط حساسی ست که باعث افراد در آن به سختی از لغزش‌ها رهایی می‌یابند:

أَيُّ الْمَعْدُ لِقَطْعِ ذَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُتَنَتِّظِ لِإِقَامَةِ الْأَمْنِ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُتَرْجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ
الْعُدْوَانِ أَيْنَ الْمُتَدَخِّلِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسَّنَنِ ...

بررسی ساختاری دعای ندبه

دعای ندبه به عنوان یک متن ادبی دارای محتوای عالی، انسجام ساختاری و اسلوبی مستحکم است. چینش عناصر مختلف دعای ندبه به گونه‌ای است که تمام متن در خدمت موضوع محوری است و یک سیر واحد از ابتدا شروع و در بخش‌های تا پایان دعا دنبال می‌شود؛ این بخش‌ها قابلیت جابه‌جایی با هم را ندارند و در صورت تغییر، نظم معنایی و شکلی دعا از بین می‌رود.

محور عمودی در دعای ندبه

در دعای ندبه ارتباط اجزاء با یک دیگر کاملاً مشهود است؛ محور عمودی دعای ندبه نگاه به تاریخ حیات بشری از آغاز هبوط آدم علیه السلام تا عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، ائمه

معمصومین علیهم السلام و دوران غیبت و عصر ظهور با توجه به عقاید شیعه می باشد.

آغاز دعای ندبه حمد و ثنای الهی می باشد، نخست به پیمان الهی میان خداوند و رسولان الهی، میثاق صبر، استقامت و زهد، فلسفه بعثت پیامبران، مهم ترین نقطه حیات انبیای الهی و بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و حرکت آن بزرگوار اشاره می شود و این قسمت تا عبارت «فیه آیاتٌ بیناتٌ مقامُ إِبْرَاهِیمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا» ادامه دارد.

در فقره بعد مبحث امامت و خلافت بلافصل امیرمؤمنان علی علیه السلام با دلایل و مدارک زنده و قاطع از آیات و روایاتی که مورد قبول همه فرق اسلامی است مورد بحث قرار گرفته و به علل قیام جمعی از امت برخلاف اهل بیت علیهم السلام و خاندان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و شهادت و کشتار و تبعید آنان و سپس به دعوت امامان یکی بعد از دیگری اشاره شده است به طوری که قلوب را کاملاً متوجه به قیام مهدی علیه السلام می نماید و این بخش با بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام و خاصتاً حضرت امیر علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و با عبارت «قُلْتُ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» آغاز می گردد.

در فقره بعدی دعا با لحنی عاشقانه و آمیخته با هیجان خاص روحی و عمیق ترین احساسات انسانی خطاب به ولی عصر می شود و در این بخش چهره امام را برای منتظر به نمایش می کشد و ضمن ابراز اشتیاق شدید به قیام حضرتش، برنامه اصلاحی و انقلابی او تشریح می گردد و مبارزه با مستکبران و اهل فسوق و نابودی آنها را به افراد رنج کشیده و ستم دیده وعده می دهد.

این مباحث که ابتدا با تحمید خداوند آغاز و بعد به بحث نبوت و امامت اشاره می گردد، به نوعی مقدمه برای موضوع اصلی است. در ادامه دعا به آرامی فرد را برای بیان دوران غیبت مهیا می کند، عصری سراسر از رنج و ظلم تا جایی که تمام جامعه ستم فرا می گیرد و در ادامه این سیر راه نجات را معرفی می کند تا با تحریک احساسات فرد منتظر درد غربت امام عصر حس شود، این حس فرد را برای مبارزه و جهاد هنگام ظهور مهیا می کند.

در خاتمه دعا بعد از بیان سیر مشخصی که از نبوت آغاز و به امامت و عصر غیبت و ظهور حضرت، دعا با چند نیایش زنده و موثر برای ایجاد آرامش در مخاطب مهم ترین دغدغه های او برای امور دنیا و آخرت از خداوند منان طلب و دعا پایان می پذیرد.

محور افقی در دعای ندبه

هم چنان که دعا به عنوان یک مجموعه واحد و سیر خطی آن مورد بررسی قرار می گیرد واحدها و اجزای مختلف آن هم به طور جداگانه می شود مورد کنکاش قرار گیرد در ذیل به فقرات مختلف دعا به طور خاص پرداخته می شود:

محور اول: بعثت انبیاء این قسمت به عنوان یک بخش مجزا از قسمت های مختلفی تشکیل شده است:

(الف) سیر تاریخی انبیای اولوالعزم الهی و فداکاری و مصائب ایشان و مهم ترین بخش های حیات این پیامبران.

(ب) معرفی هدف حرکت انبیاء یعنی رساندن بشریت به کمال.

(ج) تکامل سیر نبوت در پیامبر اسلام ﷺ و به نتیجه رسیدن تلاش انبیای الهی با خاتمیت حضرت رسول ﷺ.

(د) معرفی ویژگی های پیامبر اسلام ﷺ و این که اشرف خلائق و سرآمد همه رسولان و فرستادگان الهی^۱.

محور دوم: جریان امامت: در محور دوم دعا به بحث امامت و وصایت پیامبر ﷺ اشاره می گردد و این محور متشکل از بخش های متفاوتی است:

(الف) معرفی ولایت حضرت امیر علی علیه السلام: در این قسمت به فضائل حضرت از زبان حضرت رسول ﷺ اشاره می شود و در واقع بیان رشادت و فداکارهای تاریخی حضرت از صدر اسلام تا شهادت حضرت رسول ﷺ است.

(ب) اهل بیت علیهم السلام بعد از نبوت: در این قسمت به ظلم ها و مصائبی که بر اهل بیت علیهم السلام بعد از پیامبر ﷺ جاری شد اشاره می شود. در این محور فضای دعا برای ورود به عصر غیبت و دوران حضرت حجت ﷺ مهیا می گردد، در این بخش وقتی جایگاه امام تبیین و از طرفی تنهایی اهل بیت علیهم السلام مطرح می شود هم دلیل غیبت برای خواننده مشخص و هم شوق او به امام واضح می شود.

محور سوم: امام عصر علیهم السلام، مهم ترین قسمت و اصلی ترین بخش دعای ندبه این فقره است:

۱. به فرازهای دعا در قبل اشاره شده است البته در قالبی متفاوت.

الف) این بخش جست و جوی امام زمان به طور هنرمندانه انجام می شود و در ضمن معرفی عصر غیبت و آن چه از ظلم و جور در آن جریان دارد، منتظر در پی امام خویش است:

أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ أَيْنَ قَاصِمِ شَوْكَةِ الْمُتَعَدِّينَ أَيْنَ هَادِمِ أُبْنِيَةِ الشِّرْكِ وَ
التَّفَاقِ.

در این عبارت هم شاهد تصویر امام عصر به عنوان احیاگر دین و منهدم کننده شرک هستیم و هم تصویر جامعه عصر غیبت به عنوان دورانی که نفاق و شرک رواج دارد و دین در آن فراموش شده است.

ب) در قسمت قبلی این محور فرد در یک حالت شوکی قرار دارد از یک طرف جامعه رو به انحطاط و از طرفی مژده ظهور امام منجی. در این قسمت با معرفی اوصاف امام زمان علیه السلام و انتساب او به پیامبر رحمة للعالمین و ائمه علیهم السلام که یاور مظلومان و محرومان بودند فرد نوعی قرار در خود حس می کند و این حس قرار برای مرحله بعد تبدیل به شوق می شود.

ج) در این قسمت به جدایی، فراق و تنهایی امام در جامعه اشاره می شود و در خلال این اشتیاق فرد را برای یاری امام آماده می کند:

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَيْ أَضْيُ تُثْقَلُ أَوْ تُرَى أَوْ تُضَوَّى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي
طَوًى عَزِيزٌ عَلَى أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى وَلَا أَسْمَعُ [أَسْمَعُ] لَكَ حَسِيساً وَلَا تُجَوَّى ...

عنصر شکلی در دعای ندبه

دعای ندبه به عنوان یک متن که درون مایه دینی و مذهبی دارد دارای بنای خاص خود است که اساس آن بر محور محاوره میان مخلوق و خالق با موضوع انتظار و فراق حضرت حجت علیه السلام استوار گردیده است. در بحث بررسی دعای ندبه از حیث شکلی مباحث محاوره، عاطفه، تصویر و موسیقی مورد بحث واقع می شود.

عنصر محاوره در دعای ندبه

محاوره در لغت از اصل «حور» و در باب مفاعله به معنای پاسخ دادن و جواب دادن و گفت و گو میان دو نفر است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ج ۴، ۲۱۸؛ طریحی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۲۷۹؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق: ج ۶، ۳۱۷) حواری از مهم ترین اسالیب فنی در بیان است به این

دلیل که جزء لاینفک زندگی می‌باشد زیرا تمام افراد بشر ناگزیر از گفت‌وگو با دیگران به اشکال مختلف می‌باشند.

بسیاری از افکار، حس‌ها، آرزوها، رازها و حوادث از طریق حوار مشخص می‌شود و ارتباط بشری و تبادل اطلاعات از طریق حوار صورت می‌گیرد. (عبدالشهید، ۱۴۲۳ق: ۱۰۹) در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام به همین مضمون آمده است:

تکلموا تعرفوا فإن المرء مخبوء تحت لسانه (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۱۸).

گفت‌وگو عملی دو جانبه است که نویسنده آن را به منظور تصویرگری کامل حادثه در متن داستان به کار می‌گیرد و دامنه سخن را با آن می‌گسترده و گوینده و مخاطب را در رابطه‌ای متقابل قرار می‌دهد که ناگزیر از دقت در طرف مقابل خود و پاسخ به اویند. (میرصادقی، ۱۳۹۰ق: ۴۷۱)

طبق یک تقسیم محاوره به دو بخش مبهم و مشخص تقسیم می‌شود: در گفت‌وگوی مبهم دو طرف گفت‌وگو یا یک طرف آن مشخص نیست و به طور کلی و عمومی خطاب انجام می‌شود، اما در محاور مشخص و محدود مخاطبین و متکلمین مشخص و واضح هستند. (بستانی، ۱۴۱۴ق: ۲۴۳)

خطاب مشخص

در دعای ندبه دو گفت‌وگوی مشخص داریم، یک گفت‌وگو میان منتظر و خداوند منان و یک گفت‌وگو میان فرد منتظر و امام غائب می‌باشد. منتظر در ابتدای این محاوره با حمد و ثنای الهی و صلوات درود بر خاندان او آغاز می‌نماید و در عبارت ابتدای دعا، خدای خویش را مستقیماً خطاب می‌کند و در این خطاب از افعال و ضمایر مخاطب استفاده می‌کند که این نوع خطاب پویایی این مکالمه را بیان می‌کند:

لَكَ الحمد، اذ اخترت، شرطت، فقبلتهم و... .

این خطاب خداوند منان حتی در عباراتی که معجزات انبیای الهی را ذکر می‌کند ادامه دارد؛ به طور مثال درباره حضرت نوح علیه السلام آمده است: «حملته فی فلیکک» یا در باب معراج پیامبر خیلی لطیف هم اسلوب محاوره‌ی خود را حفظ می‌کند و هم به عروج حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم توجه دارد «سخرت له البراق و عرجت به الی سماءک».

در ادامه دعا این حالت محاوره تغییر از خطاب قرار دادن مستقیم در بخش اصلی دعا که فراق امام منتظر است به شرح مصائب و شکوه تغییر می کند، آغاز این تغییر از عبارت «فقلت قل لا أسئلكم عليه اجرا الا المودة فی القربی» این حالت بیان غم و رنج های اهل بیت علیهم السلام که در حقیقت مصائب بشریت است ادامه دارد.

از اوسط دعا خطاب مشخص خداوند متعال به خطاب مبهم تغییر می کند: «أینَ الحَسَنُ أینَ الحُسَینُ أینَ أُنَباءُ الحُسَینِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ» و مخاطب کلی و غیر مشخص است و در قسمت پایانی دوباره شاهد خطاب مشخص حضرت بقیه الله هستیم.

این محاوره و خطاب از اوسط دعا با امام زمان علیه السلام به عنوان آمال و آرزوی بشر ادامه پیدا می کند: «بأبی أنت و امی» در آغاز این خطاب، ویژگی ها و فضائل حضرت بیان می گردد و بعد از ذکر فضائل، مستقیم از خود امام به نوعی احوال حضرت را در بیانی بسیار عاشقانه می پرسد «لیت شعری أینَ إستقرت بک النوی» و اوج نزدیکی با امام را در قالب یک محاوره زنده و پویا برقرار می کند.

در قسمت پایانی دعا مجدد محاوره به سمت خداوند متعال متوجه می گردد و با عبارت «اللهم أنت کشاف الكرب و البلوی» با دعا و درخواست و حالت التجاء خدای خویش را مخاطب خود قرار می دهد و این درخواست مسائل دنیوی و اخروی را شامل می شود، در نهایت به واقع با بیان این درخواست و اظهار نیاز به آستان ربوبی نوعی آرامش و آمادگی برای پایان دعا ایجاد می کند و این گفت و گو خاتمه می یابد.

خطاب مبهم

چنان که ذکر شد در دعای ندبه خطاب مبهم وجود دارد. از این قسمت دعا «فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ وَ إِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ» مخاطب مشخص نیست چه کسی است؟ در این عبارت هر چند شاید بتوان منتظران را مخاطب فرض کرد، اما زمانی که در ادامه دعا در جست و جوی امام عصر علیه السلام است و با عبارات «أینَ الحَسَنُ أینَ الحُسَینُ أینَ أُنَباءُ الحُسَینِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ أینَ السَّيِّئُ بَعْدَ السَّيِّئِ» در جست و جوی امام خویش می باشد و واقعاً مخاطب مشخص نیست؛ این خطاب مبهم تمام افراد را به نوعی مخاطب خود قرار می دهد و همه افراد خود را طرف مقابل این مکالمه می توانند احساس کنند و نوعی پیوند به همه افراد ایجاد می کند.

عنصر عاطفه در دعای ندبه

عواطف مانند عطری هستند که در سرتاسر متن منتشر می‌شوند و فضای آن را با بوی تند یا ملایم خود تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ در تعریف عاطفه گفته‌اند: «استعداد روانی است که از تمرکز یافتن گروهی از انفعالات پیرامون موضوع مشخصی در نتیجه تکرار برخورد و ارتباط با این موضوع پدید می‌آید» (عثمان، ۱۳۶۹ ش: ۱۶۱) عاطفه یک نیروی وجدانی است و آثاری نیز در جسم انسان دارد که در وی به هنگام خشم و شادی و اندوه آشکار می‌شود و زندگی و شخصیت هر کسی رنگی از احساس و عواطف او دارد. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱ ش: ۴۸)

برخی معتقدند: عاطفه مهم‌ترین و قوی‌ترین عنصر تأثیرگذار نسبت به سایر عناصر است. (الشائب، ۱۹۹۴ م: ۳۴؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱ ش: ۴۷؛ شکیباپور، ۱۳۶۳ ش: ۳۰۷)

از نظر سید قطب در تجربه عاطفی سه ویژگی به چشم می‌آید:

۱. خصوصی بودن عاطفه: یعنی هرکس برای خود یک عاطفه خاص داشته باشد که تقلیدی از دیگران نباشد؛

۲. میزان عمق و گستره عاطفه در ارتباط با عالم حیات: هرچه این پیوند عمیق‌تر باشد و تأثیر فرد بیشتر باشد ارزش عاطفه بیشتر خواهد بود؛

۳. صدق عاطفه: صدق در این جا منظور صداقت علم اخلاق نیست بلکه منظور واقعی بودن است و این که مثل عاطفه مدایح و مرائی درباری و فرمایشی نباشد. (سید قطب، ۱۴۳۳ ق: ۱۱)

از بررسی رابطه کلمات و صحنه‌پردازی‌ها می‌توانیم به طرحواره فرایند عاطفی دست یابیم. این طرح‌واره در پنج بخش ظاهر و به اوج می‌رسد: (شعیری، ۱۳۹۱ ش: ۱۳۷)

مرحله تحریک عاطفه: در آن شوش‌گر^۱ عاطفی دچار حسی خاص می‌شود و حضوری عاطفی از نظر گستره‌ای و فشاره‌ای در او شکل می‌گیرد؛ می‌توان گفت در این جا حالت فرد تحت تأثیر، دچار تغییر می‌شود.

مرحله آمادگی: این مرحله، مرحله‌ای است که طی آن شوش‌گر عاطفی با هویت فعلی

۱. شوش‌گر اصطلاح خاص است به معنی فرد متأثر عاطفی (رک: شعیری، ۱۳۹۱ ق: ۱۹۹-۲۰۳)

مؤثر ظاهر می‌گردد. چنین هویتی می‌تواند سبب کشف مشخصه عاطفی خاصی براو گردد و آمادگی لازم برای کسب هویت عاطفی را پیدا می‌کند.

مرحله هویت: این مرحله، نقش جایگاه مرکزی را در مجموعه مراحل عاطفی به عهده دارد. در این مرحله است که تغییر رخ می‌دهد و شوش‌گر هویت عاطفی خاصی را از خود بروز می‌دهد؛ یعنی تمام تخیلات، تصورات، پندارها، و بالاخره تردیدهای شوش‌گر پاسخی قطعی یافته و نتیجه آن تحقق عاطفی مشخصی است.

مرحله هیجان: نتیجه تغییر وضعیت و هویت عاطفی بروز هیجاناتی است که نشانه‌هایی فیزیکی دارد و می‌توان آن را با بیان جسمی یا فعالیت جسمانه‌ای یکی دانست. فعالیت‌های جسمانه‌ای عبارتند: از لرزیدن، تکان خوردن، از جا پریدن، بی‌قراری، انقباض یا انبساط بدنی یا ماهیچه‌ای، تغییر رنگ پوست، مومور شدن، دچار چندان شدن، ضعف جسمی، قدرت جسمی؛ این رفتارهای جسمی عکس‌العملی قابل مشاهده است که شوش‌گرس از کسب هویت عاطفی از خود بروز می‌دهد.

مرحله ارزیابی: این مرحله نوعی ارزیابی یا قضاوت است که می‌تواند در مورد هریک از مراحل این فرایند صورت گیرد. به عنوان مثال، دست و دلبازی در مرحله اصلی یعنی شوش عاطفی که از نقطه نظر دیگران بسیار مثبت ارزیابی می‌گردد؛ اضطراب یا ناآرامی در مرحله هیجان عاطفی، در صورتی که سبب عدم کنترل و بروز رفتارهایی مثل پرخاشگری یا تعرض فیزیکی شود مورد ارزیابی منفی قرار گرفته و به عنوان رفتاری ناشایست یا خام محسوب می‌شود. سرکشی نیز در مرحله آمادگی عاطفی به عنوان خواسته‌های غیر منطقی منفی ارزیابی می‌شود در حالی که جوانمردی و معرفت در مرحله تحقق امری است عاطفی که نگرشی بسیار مثبت درباره آن وجود دارد.

در بحث بررسی دعای ندبه از حیث عاطفی می‌توان عواطف مختلف دعا را به طور مستقل بیان کرد و هم می‌توان برای این دعا یک گفتمان عاطفی مشخص و کامل مطابق با مبنای زیباشناسی جدید بیان کرد؛ برای این که به گفتمان عاطفی این دعا پی ببریم این نظام را در طرحواره فرآیند عاطفی بیان می‌کنیم:

مرحله تحریک عاطفه

در دعای ندبه مرحله تحریک عاطفه از ابتدای دعا شروع می‌شود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا» و برای ایجاد فضای

عاطفی از موارد زیر بهره جسته است:

اشاره به سیر تاریخی حیات بشرو فداکاری انبیاء علیهم السلام و آن چه بر آنها گذشته است:
اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ.

ابتدای خلقت و سکونت حضرت آدم ابوالبشر علیه السلام در بهشت و هبوط آن حضرت از بهشت را بشر معرفی می کند:

فَبَعْضُ أَشْكُنْتُهُ جَنَّتِكَ إِلَى أَنْ أُخْرِجْتَهُ مِنْهَا.

بعد از حضرت آدم علیه السلام اشاره به انبیا اولوالعزم می کند و برای اشاره به هر پیامبر اوج زندگی او را معرفی می کند که در اندیشه فرعی بیان شد و از تکرار آن اجتناب می کنیم.
در عبارات بعد تاریخ حیات حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می کند و در ضمن این تاریخ نگاری اوصاف و ویژگی های حضرت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را معرفی می کند:
فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَ صَفْوَةَ مَنْ اضْطَفَيْتَهُ وَ أَفْضَلَ مَنْ اجْتَبَيْتَهُ وَ أَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ قَدَمَتُهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ بَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ....

در همین مرحله مسئله امتحان و آزمایش انسان جهت بهره مندی از ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام که ملاک شناخت کفر و ایمان است معرفی می شود بیان کمالات و فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام سبب تعمیق این ارتباط عاطفی است و لحظه به لحظه بر علقه و پیوند این حس افزوده می شود:

فَلَمَّا انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمَا وَ أَهْلِمَا هَادِيَا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْذِرُ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ....

در پایان این قسمت - که در ابتدا به ذکر فداکاری ها و جانفشانی انبیاء و اهل بیت علیهم السلام و در رأس آنها امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز شد - با بیان ظلم های وارده بر اهل بیت علیهم السلام احساسات شوش گر تغییر می کند:

وَيَقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لُؤْمَةُ لَاإِيمٍ قَدْ وَتَرَفِيهِ صَنَادِيدُ الْعَرَبِ... وَالْأَمَّةُ مُصَرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَجْمِهِ وَ إِفْصَاءِ وَلَدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ يَمْنَنُ وَ فِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ فَقُتِلَ مَنْ قُتِلَ وَ سِيٌّ مَنْ سِيٍّ وَ أَقْصَى مَنْ أَقْصَى....

در این سیر، لحظه به لحظه علقه و پیوند شوش گرا افزوده می شود. در پی بیان ظلم های

وارد بر اهل بیت علیهم السلام، احساسات شوش گرتغییر می کند. این مرحله با عبارت: «سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» می باشد.

مرحله آمادگی

این مرحله، مرحله ای است که طی آن شوش گر عاطفی با هویت فعلی مؤثر ظاهر می گردد. مرحله آمادگی عاطفی در دعای ندبه با عبارت «فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى اللَّهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا فَلْيَبْكُ الْبَاكُونَ، وَإِيَاهُمْ فَلْيَنْدُبِ التَّادِبُونَ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرِفِ الدُّمُوعُ، وَلْيَضْرُخِ الصَّارِحُونَ، وَيَضْجِ الصَّاجُونَ، وَيَعِجِ الْعَاجُونَ» شروع می شود و پس از تحریک عاطفه در ابتدای دعا، حسی از غم و اندوه شوش گر عاطفی را در بر می گیرد. این اندوه با کلماتی مانند: «بکاء»، «ندبه»، «اشک ریختن؛ دموع»، «فریاد»، «ضجه» و «نال» مشخص می شود و نشانگر این است که فرد متأثر آمادگی به دست آوردن هویت عاطفی را دارد. فعل های طلبی: «فَلْيَبْكُ»، «فَلْيَنْدُبِ»، «فَلْيَتَذَرِفِ» و «لْيَضْرُخِ» به آمادگی عاطفی شوش گرا اشاره دارند. خواننده در این فراز دعا اگر در کنش پیوسته با دعا باشد، شایسته است به یکی از شکل های مذکور واکنش نشان دهد.

مرحله هویت

این مرحله نقش جایگاه مرکزی را در مجموعه مراحل عاطفی به عهده دارد؛ در همین مرحله است که تغیر رخ می دهد و شوش گر هویت عاطفی خاصی را از خود بروز می دهد. آغاز مرحله هویت یافتن عاطفه در دعای ندبه با عبارت «أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ أَيْنَ أَنْبَاءِ الْحُسَيْنِ صَالِحٍ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٍ بَعْدَ صَادِقٍ أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ» است. مرحله هویت یابی در دعای ندبه در دو بخش می باشد: در بخش اول فرد متأثر به دنبال آنچه از دست داده می باشد یعنی نقطه رهایی خود را در شخصی جست و جو می کند که کمال مطلق است و اوصاف او را یک به یک بیان می کند:

أَيْنَ الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ، أَيْنَ الْأَقْنَارُ الْمُتَنِيرَةُ، أَيْنَ الْأَنْجُمُ الرَّاهِرَةُ، أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ....

دعای ندبه در واقع اوضاع جامعه در عصر غیبت بقیة الله الاعظم علیه السلام را به تصویر می کشد این عبارات دعای فردی صرف نیست بلکه بررسی اوضاع اجتماعی و انتقاد از نابه سامانی ها است.

بعد از بیان ویژگی های این منجی موعود، نوعی تردید در انسان و شایستگی او حاصل

می شود و در همین جا تضمین های برای امید خود معرفی می کند تا تمام تردیدها برطرف شود در واقع تردید فرد این است که این منجی کیست؟ و در واقع پاسخ تردید مقدر را این چنین می دهد:

أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُومِنَ الْعِثْرَةَ الْهَادِيَةَ، أَيْنَ الْمُتَعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُتَنَظِّرُ لِإِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ، أَيْنَ الْمُتَرَجِّى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ....

مرحله هیجان

نتیجه تغییر وضعیت و هویت عاطفی بروز هیجاناتی است که نشانه هایی فیزیکی دارد و می توان آن را با بیان جسمی یا فعالیت جسمانه ای یکی دانست؛ در دعای ندبه این مرحله از عبارت:

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَىْ أَرْضٍ ثَقُلْتُكَ أَوْ ثَرَى أَرْضُوى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طَوًى، عَزِيزٌ عَلَى أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَأَنْتَ لَا تَرَى، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلَا نَجْوًى...

عواطف و هیجانات شوش گر عاطفی در شش لایه به چشم می آید:

(الف) تمنای دانستن راهی به خانه دوست:

لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى بَلْ أَىْ أَرْضٍ ثَقُلْتُكَ أَوْ ثَرَى أَرْضُوى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذِي طَوًى.

(ب) گران آمدن بار هجران و غیبت:

عَزِيزٌ عَلَى أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تَرَى وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيساً وَلَا نَجْوًى، عَزِيزٌ عَلَى أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلَوَى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى.

(ج) پیوند: او چندان خود را به دوست نزدیک می بیند که اظهار مودت و جان نثاری می کند:

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغِيبٍ لَمْ يَحُلْ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا....

(د) اوج دوباره عاطفی:

إِلَى مَتَى أَحَازُفِيكَ يَا مَوْلَايَ وَإِلَى مَتَى وَأَىْ خِطَابٍ أَصِفُ فِيكَ وَأَىْ نَجْوًى.

(هـ) احساس مجدد بار گران فراق:

عَزِيزُ عَلٰی اَنْ اُجَابَ دُوْنَكَ وَاُنَاغٰی عَزِيزُ عَلٰی اَنْ اُبْكِيكَ وَيُخْذُلَكَ الْوَرٰی

و) جست وجوی همناله و همدرد: دردمند همواره در جستجوی همدم و همنوا هستند. این جا شوش گربه جست وجوی کسی می‌گردد که با او گریه و ناله سر دهد و بی‌تابی نماید چشمی اشکبار از خار غم خلیده:

هَلْ مِنْ مُّعِيْنٍ فَاُطِيْلَ مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوْعٍ فَاُسَاعِدَ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا هَلْ قَدْ يَثَّ عَيْنٌ فَاُسَاعِدَتْهَا عَيْنِيْ عَلٰی الْقَدٰی.

چنین است که فرد، دوری خود از امام را بر خویش گران می‌بیند، گریه می‌کند، ضجه می‌زند و لب به شکوه می‌گشاید. شوش گر عاطفی حیران مولای خویش می‌گردد و هدف او از این همه شیون و بی‌قراری این است که مولای او راهی به سوی خود برای این منتظر بگشاید تا به سرچشمه هدایت برسد و از هدایت مولای خود سیراب شود و او در پی روزی است که رایت فتح نصر مولایش به اهتزاز در آید.

مرحله ارزیابی

مرحله ارزیابی عاطفی دعای ندبه از عبارت «اَللّٰهُمَّ اَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلَوٰی وَ اِلَيْكَ اُسْتَعْدٰی فَعِنْدَكَ الْعُدُوٰی وَاَنْتَ رَبُّ الْاٰخِرَةِ وَالْاٰثِرَةِ» آغاز و تا پایان دعا همان حالت مشاهده می‌شود. در این جا منتظر در پی راهی برای دست‌یابی به مولای دست به دامن رب الارباب عالم خلقت خداوند متعال می‌شود و راه نجات خویش را از معبود خویش می‌طلبد «فَاَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلٰی وَاَرِهْ سَيِّدَهُ» و دیدار معشوق و زدودن هم و غم را از خداوند متعال می‌طلبد و عرض شکوای خود را به محضر باری تعالی عرض می‌نماید و در پایان دست به دعا می‌گشاید در جهت برآورده شدن حاجتش به امید برقرای حکومت عدل جهانی تا همه از آن بهره‌مند شوند. نکته‌ای که شایان ذکر است دعاها در جهت دیدار منتظر، فردی نیست بلکه کاملاً اجتماعی و جهانی است مانند اقامه حق و نابودی باطل که بشریت به تمامه از آن مستفیض خواهند شد.

عنصر تصویر در دعای ندبه

یک متن ادبی خصوصاً متن داستانی و شعر باید آن چنان فضا و عناصر مهم نوشتار را ترسیم و توصیف کند که خواننده خود را در آن فضا و جوا احساس کند. منظور از تصویر در

این جا آرایه های ادبی و بلاغی مثل تشبیه و استعاره نیست بلکه نشان دادن نمایی کلی از عناصر مهم و تأثیرگذار در متن است که چگونه معرفی می گردند. (رک: فتوحی، ۱۳۸۴ ش: ۳۰؛ شعبانیان، علیرضا، تأملی در ساختارهای شعر فارسی، ۱۳۹۴ ش: ۷۱) «در حقیقت، برای بروز احساسات و عواطف در گفتمان، قائل بودن به چهارچوبی برای صحنه، یعنی در نظر گرفتن عنصری عاطفی را در قالب زمان و مکان و با توجه به عوامل بشری و غیربشری مرتبط با آن». (شعیری، ۱۳۹۱ ش: ۱۵۹)

در دعای ندبه ما تصویرسازی را نسبت به امام زمان علیه السلام، فرد منتظر و جهان در دوران غیبت و ظهور را شاهدیم. در این دعا سه رکن اساسی فرد منتظر، امام منتظر و جامعه بیشترین نمود را دارند که در ذیل تصویر هر کدام از این ارکان معرفی می شود:

تصویر فرد منتظر

ندبه، ناله، زاری و گریه بر امام عصر علیه السلام مسئله جدید و بی مأخذ و موضوعی بی سند نیست بلکه امری است که شیعه از اولیای خود گرفته است؛ گریه و ندبه سنت حسنه ای است که همواره شیعه بر آن مداومت داشته و آن را شعار خود قرار داده و تا ظهور دولت حق و تأسیس حکومت جهانی اسلام، و آزادی و نجات تمام انسان ها، این شعار برقرار بوده و روشننگر خواسته های ارزنده و با ارج و هدف های متری و نجات بخش اسلام است.

فرد منتظر در دعا ندبه علاوه بر ایمان به خدا و اصول حقه مذهب تشیع دارای ویژگی ها و صفات دیگری هم می باشد.

در دعای ندبه فرد منتظر به وعده الهی یقین دارد:

كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لِمَفْعُولَا وَلَنْ يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ.

در دعای ندبه فرد منتظر در پی عدالت است و از ظلم و جور مستکبران بیزار و فردی ظلم ستیز است:

أَيُّنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ أَيْنَ الْمُنْتَظَرُ لِقَامَةِ الْأَمْتِ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجُورِ وَالْعُدْوَانِ.

فرد منتظر علاوه بر عدالت طلبی و ظلم ستیزی در پی آرمان خواهی خویش هم می باشد و این که در جست و جوی امام به عنوان هادی انسان، احیاگردین و جلوه خدا بر

زمین است:

أَيْنَ الْمُتَنَظِّرِ لَا قَامَةَ الْأُمْتِ وَالْعَوَجِ أَيْنَ الْمُزْنَجِي لِزَالَةِ الْجُورِ وَالْغَدْوَانِ أَيْنَ الْمُدْخِرِ لِتَجْدِيدِ
الْفَرَانِضِ وَالشَّنَنِ

در دعای ندبه فرد منتظر در فراق امام خویش می سوزد و در این سوز و گداز هم در پی
این است که دیگران را همراه خود کند:

هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ مِنْ جَزُوعٍ فَأُسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا.

تصویر امام

در دعای ندبه امام زمان علیه السلام وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و از نسل پاکان و پاکیزگان عالم است؛
کسی که همه آمال بشر در او خلاصه می شود، اوست آیه محکم و بین الهی، سبب اتصال
بین زمین و آسمان، احیاگردین و احکام الهی، مجدد فرائض، راه مستقیم و ستاره
درخشان هدایت و راهنمایی:

أَيْنَ الشُّمُوشِ الظَّالِعَةِ أَيْنَ الْأَقْنَارِ الْمُنِيرَةِ أَيْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ
الْعِلْمِ ... أَيْنَ السَّبَبِ الْمُتَّصِلِ بَيْنَ الْأَرْضِ.

در دعای ندبه در مواردی که با لفظ «این» در جست و جوی امام زمان علیه السلام هست از یک
سواور مسیر عزت، مجد و عظمت اسلام معرفی می نماید و از طرف دیگر او را نابودگر
ظلم و ستم و عصیان. در واقع از یک نگاه رحمت برای مستضعفان و محرمان و مومنان و
از زاویه دیگر منهدم کننده بت های دروغین کذب و ریا و نفاق در جامعه.

در این جا یک تصویر دوگانه و در حقیقت واحد از حضرت نمایش می دهد: فردی که
ویرانگر و سازنده است؛ او ویرانگر کاخ ظلم و سازنده ساختمان عدل و تقوی است.
هم چنین نابودگر و حامی می باشد؛ او نابودکننده ظلم و عصیان و حامی مستضعفان و
مظلومان است. این تقابل تصویر لطیفی از یاس برای دشمنان و ظالمان و امید برای
محرمان و مظلومان است.

اما آنچه در دعای ندبه در باب امام آمده را با کلمه امید می توان خلاصه کرد؛ برآیند
دعا از امام، او را نقطه رهایی و نجات بشریت و امید توده ها به تصویر می کشد. البته این
امید در منتظران هم به طور پویا به چشم می خورد.

تصویر جامعه

این عنوان در دعای ندبه، منطبق بر یک جامعه در دو دوره گوناگون می باشد: نخست؛ جامعه ای که در دوران غیبت مهدی موعود علیه السلام، زندگی می کند و دیگر جامعه ای که عصر ظهور آن حضرت را درک خواهد کرد.

این دو جامعه عین یکدیگرند با این تفاوت که جامعه نخست از نظر جغرافیایی، محدود است با پیشوایی پنهان امام مهدی علیه السلام و دیگری در گستره ای به گستردگی همه زمین، با امامی آشکار و البته مهدی باوران عصر غیبت، همان مهدی باوران عصر ظهور است: «أَيْنَ... نَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى»

جامعه در عصر ظهور بر اساس تقوا بنا می گردد: «أَيْنَ جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى» و در جامعه عصر ظهور اولیاء الهی عزیز و اعداء و دشمنان خوار و ذلیل هستند.

عنصر موسیقی در دعای ندبه

هیچ ملت و ادبیاتی را نمی شناسیم که از موسیقی کلام بی بهره باشد و باید پذیرفت وزن و موسیقی در نهاد انسان می باشد؛ گویا نخستین عاملی که مایه رستاخیز کلمه ها در زبان شده و انسان ابتدایی را به شگفتی واداشته است، همین کاربرد موسیقی در نظام واژه ها بوده است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱ ش: ۸) به نظر برخی از نویسندگان موسیقی نمادی از شعور و عاطفه ای خاص است. (علی صبح، ۱۹۹۶ م: ۲۴۰)

البته مراد از موسیقی در این نوشته و آن چه بیشتر به آن توجه می شود موسیقی درونی است که عبارت است از: هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حرف دیگر (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۸) و منظور از موسیقی به معنی آهنگ های امروز مد نظر نیست بلکه آوا و نغمه ای محسوس در متون دینی است.

در دعای ندبه سه نوع موسیقی نمود و بروز دارد که همه آنها تحت تأثیر متن و برای انتقال بهتر مضمون انتخاب شده است:

نوع اول

در ابتدای دعا که به بیان سیر تاریخی حیات بشر می پردازد: در قسمت اول دعا کلمات دارای سجع هستند و از نظر بلندی و کوتاهی جملات، متوسط هستند این بخش دعا از حیث موسیقی تأکید خاصی ندارد و مانند سایر متون علمی بیشتر در

راستای اسلوب تاریخی دعا قرار دارد و یک ریتم ملایم به دوری از تندى و شدت یا كندى و غم را منتقل مى كند.

نوع دوم

نوع دوم از موسيقى مربوط به قسمت هاى است كه به معرفى و بيان اوصاف حضرت بقیة الله علیه السلام مى شود؛ در این قسمت شاهدیم عبارات کوتاه، محكم، با صلابت و دارای سجعی دلنشین است و این عبارات حسی حماسی را منتقل مى کنند:

يا اَبْنَ السَّادَةِ الْمُتَقَرِّبِينَ يا اَبْنَ الثُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ يا اَبْنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِينَ يا اَبْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيِينَ يا اَبْنَ الْعَطَارَةِ الْأَنْجَبِينَ

كلمات این بخش با حروف «ین» (مقرین، اکرمین، مهدیین...) ختم مى شود كه محكم و دارای طنینى خاص است؛ این كلمات با این كه معانى متفاوتی دارند اما نوعی وحدت را هم منتقل مى كنند كه این اشتراك حروف پایانی به وحدت موضوع هم كمك مى كند، يكی از مهم ترین اثرات به كارگیری این گونه كلمات در عبارات این است كه احساس و حالت فرد را ثابت نگه مى دارد و به انتقال معنا كمك مى كند؛ این حروف مشترك كلمات كه وزنى مشترك دارند با رساندن معنای متفاوت قوت مفهوم متن را منتقل مى كند.

نوع سوم

سومین موسيقى مسموع در دعای ندبه مربوط به بخش هاى عاطفی دعا مى باشد؛ این تبلور عاطفه همراه حزن، درد و غم فراق است و این حس با جملات بلند، برای بیان غم و اندوه بسیار مناسب است:

عَزِيزٌ عَلَى أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلَوَى وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيجٌ وَلَا شَكْوَى بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَحُلْ مِنَّا بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا....

نتیجه گیری

با بررسی هاى انجام گرفته مى توان نتایج بررسی عناصر سه گانه فکری، شکلی و ساختاری دعای ندبه را در عبارات ذیل خلاصه نمود:

۱. در عنصر فکری موضوع اصلی دعای ندبه ناظر به حضرت حجت است كه به خصوصیات فردی و معنوی حضرت پرداخته مى شود و ایشان را ولی الله و بازمانده

سلسله انبیاء و اوصیاء الهی معرفی می نماید و جامعه دور از امام زمان علیه السلام سراسر از ظلم است و جامعه در عصر ظهور او سرشار از عدالت است.

۲. در عنصر شکلی چهار عنصر قابل طرح می باشد:

الف) عنصر محاوره: در دعای ندبه دو گفت و گوی مشخص داریم، یک گفت و گو میان منتظر و خداوند منان و یک گفت و گو میان منتظر و امام غائب برقرار است؛ البته در دعای ندبه خطاب مبهم وجود دارد که به نوعی تمام افراد را مخاطب خود قرار می دهد و همه افراد خود را طرف مقابل این مکالمه می توانند احساس کنند.

ب) عنصر عاطفه: این عنصر در دعای ندبه به صورت پنج مرحله تحریک عاطفه، مرحله آمادگی، مرحله هویت، مرحله هیجان و مرحله ارزیابی خودنمایی می کند.

ج) عنصر تصویر: در دعای ندبه شاهد تصویرسازی نسبت به امام زمان علیه السلام، فرد منتظر و جهان در دوران غیبت و ظهور هستیم.

د) عنصر موسیقی: در دعای ندبه سه نوع موسیقی نمود و بروز دارد که همه آنها تحت تأثیر متن و برای انتقال بهتر مضمون انتخاب شده است.

۳. عنصر ساختاری دعای ندبه در دو محور عمودی و افقی شکل گرفته است که محور عمودی دعای ندبه نگاه به تاریخ حیات بشری از آغاز هبوط آدم علیه السلام تا عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه معصومین علیهم السلام و دوران غیبت و عصر ظهور با توجه به عقاید شیعه می باشد و در محور افقی به سه محور بعثت انبیاء، جریان امامت و امام عصر علیه السلام اشاره می گردد.

منابع

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، اول، ۱۳۸۵ ش.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۹۵ ق.
- ابن طاووس، سید علی، *فلاح السائل و نجاح المسائل*، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۶ ق.
- _____، *مصباح الزائر*، قم، موسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۷ ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، *معجم مقانیس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، اول، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، *لسان العرب*، جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع، دارصادر، سوم، ۱۴۱۴ ق.
- انوشه، حسن، *فرهنگ نامه ادب پارسی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۸۰ ش.
- بستانی، محمود، *القواعد البلاغیه فی ضوء منهج الاسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۴۱۴ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتب الإسلامیه، اول، ۱۴۱۰ ق.
- جمعی از نویسندگان، *دعاء التذیبه و توثیقه من الکتاب و السنه*، قم، پیام امام هادی علیه السلام، اول، ۱۳۹۱ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ ق.
- خامه گر، محمد، «ساختار هندسی سوره های قرآن درآمدی بر تفسیر ساختاری قرآن»، *نشریه گلستان قرآن*، شماره ۱۸۳، ۱۳۸۱ ش.
- خرمشاهی، بهاء الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، تهران، ناهید، اول، ۱۳۷۷ ش.
- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *مفردات الالفاظ القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالقلم، اول، ۱۴۱۲ ق.
- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر، اول،

- ۱۴۱۴ق.
- سید قطب، ابراهیم، *النقد الأدبی اصوله و مناهجه*، قم، ذوی القربی، اول، ۱۴۳۳ق.
 - الشائب، احمد، *النقد الأدبی*، قاهره، مكتبة النهضة المصرية، دهم، ۱۹۹۴م.
 - شعبانیان، علیرضا، «تأملی در ساختارهای شعر فارسی»، *نشریه زیبایی شناسی ادبی*، شماره ۲۳، ۱۳۹۴ش.
 - شعیری، حمیدرضا، *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب درسی، اول، ۱۳۸۵ش.
 - شکیبایور، عنایت الله، *دائرة المعارف روانشناسی*، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۶۳ش.
 - شفیعی کدکنی، محمدرضا، *صور خیال در شعر فارسی*، تهران، آگاه، ششم، ۱۳۷۵ش.
 - _____، *موسیقی شعر*، تهران، نیل، سیزدهم، ۱۳۹۱ش.
 - شمیسا، سیروس، *نقد ادبی*، تهران، فردوسی، ششم، ۱۳۷۸ش.
 - علی صبح، علی، *البناء الفني للصورة الادبية للشعر*، قاهره، المكتبة الازهرية للتراث، اول، ۱۹۹۶م.
 - ضابطی، احمد، *سینما و ساختار تصاویر در شاهنامه*، تهران، کتاب فرا، ۱۳۷۸ش.
 - ضیف، شوقی، *النقد*، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
 - طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، هفتم، ۱۴۱۷ق.
 - طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين و مطلع النیرین*، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
 - طوسی، محمد بن حسن، *الغیبه*، قم، دارالمعارف الإسلامية، اول، ۱۴۱۱ق.
 - عثمان، عبدالکریم، *روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*، مترجم: محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول، ۱۳۶۹ش.
 - فتوحی رودمعجنی، محمود، «تصویر کلاسیک»، *فصل نامه هنر*، شماره ۶۴، ۱۳۸۴ش.
 - فراهیدی، خلیل بن أحمد، *العین*، قم، نشر هجرت، دوم، ۱۴۰۹ق.
 - فیومی، ابوالعباس، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، دارالهجرة، دوم، ۱۴۱۴ق.
 - قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامية، ششم، ۱۴۱۲ق.
 - مجلسی، محمد باقر، *زاد المعاد*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۲۳ق.

- _____، *مرآة العقول فی شرح أخبار الرسول*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۴۰۴ ق.
- محدث نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۰۸ ق.
- مشهدی، محمد بن جعفر، *المزار الكبير*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۱۹ ق.
- میرصادقی، جمال، *عناصر داستان*، تهران، سخن، هفتم، ۱۳۹۰ ش.
- هاسپرز، جان؛ اسکراتن، راجر، *فلسفه هنر و زیبایی شناسی*، ترجمه: یعقوب آژند، تهران، دانشگاه تهران، اول، ۱۳۹۳ ش.